

کاغذ رنگی

کشت و کوی سعیده خجسته پور با دکتر امید بهبهانی
ویژه نامه ایزابل آئنده
کاترینا آنکلاکی - روک
ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق
امیر نادر الهی
اسد الله امرایی
حسام الدین خجسته پور
محمد حسین عزیزی
عبدالحسین فرزاد
بابک موسوی فرد

تصانیف شخصی ادبیات فارسی، سال سوم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲، قیمت دوازده هزار تومان

۹

ایزابل آئنده ۱۹۴۲
ISABEL ALLENDE 1942



بسم الله الرحمن الرحيم

کاغذ

فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی، سال سوم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سعیده خجسته‌پور
سردبیر: سعیده خجسته‌پور
طراح نشان و جلد: جواد آتشباری

خوانندگان فرهیخته:

فصلنامه‌ی تخصصی کاغذرنگی، مجله‌ای است که در زمینه‌ی ادبیات فارسی فعالیت می‌کند، و به معرفی ادبیات و چهره‌های ادبی ایران و جهان می‌پردازد. اگر مایل به ارسال مطلب برای ما هستید، می‌توانید مطالبتان را از طریق ایمیل مجله یا سردبیر ارسال نمایید. نظر نویسندگان لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه نیست. نشریه‌ی کاغذرنگی در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است، و هرگونه برداشت مطالب و عکس از نشریه کاغذرنگی با ذکر منبع آزاد است.

ایمیل مجله: kaghazrangimag@yahoo.com

ایمیل سردبیر: khojastepour_sa@yahoo.com

نشانی پستی: ایران، تهران، صندوق پستی ۳۵۹۸-۱۵۸۷۵

نشانی: تهران، میدان هفت تیر، خیابان مشهدی، پلاک ۳

تلفن: ۰۹۱۹۰۲۶۹۲۳۷

فاکس: ۸۸۸۳۹۷۱۵

در شماره‌ی نهم کاغذ رنگی می‌خوانید:

آغاز سخن

۴

به نام خالق نور/ سعیده خجسته‌پور

ویژه‌نامه

- ۶ ادبیات واقعی، نگاهی بر زندگی و آثار ایزابل آئنده، خالق «خانه ارواح» / ترجمه: امیر نادر الهی
- ۱۴ هدف ادبیات: کشف رازهای زندگیست، گفت‌وگو با ایزابل آئنده / ترجمه: امیر نادر الهی
- ۳۲ چگونه نویسنده شدم، منتخبی از خودنوشت ایزابل آئنده / ترجمه: امیر نادر الهی
- ۳۸ خاستگاه و تعهد اجتماعی ایزابل آئنده / دکتر بابک موسوی فرد
- ۴۲ آئنده، راوی رویاهای انسان امروز/ اسدالله امرایی

گفت‌وگو

- ۴۷ خاستگاه و گستره‌ی ادبیات مانوی، گفت‌وگو با دکتر امید بهبهانی / سعیده خجسته‌پور

حدیث سرو و گل و لاله

- ۶۲ بیان‌گذاران زبان‌شناسی نقش‌گرا، به مناسبت درگذشت مایکل هلیدی / دکتر عبدالحسین فرزاد

چهره‌های ادبی

- ۷۰ مایکل مارچ، شارح سرزمینی شترونی نو / دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق
- ۷۶ مایکل مارچ با چکیده‌ی اضطراب اریستانسالیستی / کاترینا آنگلاکی - روک / ترجمه: دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق
- ۸۴ در سکوت آینه‌ها، منتخبی از اشعار مایکل مارچ / ترجمه: دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق

سفرنامه

- ۹۴ ساحل سیمگون و دلفین‌های بازیگوش، سفر به جزیره قشم / دکتر محمد حسین عزیزی

کتابخانه

- ۱۰۴ حکمت و نظامی گنجوی، «گنجینه حکمت در آثار نظامی» اثر دکتر منصور ثروت / سعیده خجسته‌پور
- ۱۰۷ رویکرد مولانا در تفسیر آیات مثنوی، «مولوی و تفسیر عرفانی» اثر دکتر مریم مشرف / مانا ماندگار
- ۱۰۸ ارتباط با جهان ناپیدا، «وحی و تجربه دینی» اثر دکتر عبدالرضا مظاهری / حسام الدین خجسته‌پور

آغاز سخن



به نام خالق نور

«به نام آنکه نور جسم و جانست

خدای آشکارا و نهانست

خداوندی که جان در تن نهان کرد

ز نور خود زمین و آسمان کرد» (منسوب به عطار)

در آغاز سخن، پروردگاری کتار ابرای یاری و همراهیمان در راه اعتلا و گسترش علم و ادب و فرهنگ،

و رود به سال و فصلی نو، همچنین پیشکش نهمین کاغذ رنگی به حضور علاقه‌مندانش، سپاسگزاریم.

خوانندگان فرهیخته، در این شماره از فصلنامه‌ی کاغذ رنگی، در بخش «ویژه‌نامه»، نگاهی بر

زندگی و آثار ایزابل آکنده (ایسابل آئنده) نویسنده روزنامه نگار شهیر و برجسته‌ی آمریکای لاتین داریم.

در ابتدا، نکته‌ی مهمی که باید به آن اشاره کنیم؛ تلفظ صحیح نام و نام خانوادگی این نویسنده‌ی

مطرح است، که پس از ایزینی با مترجمان و استادان اسپانیایی و انگلیسی از جمله بانو نازنین نودری،

و بنا بر نظر و پیشنهاد مترجمان و نویسندگان این بخش (ویژه‌نامه)، تصمیم بر آن شد تا تلفظ صحیح

نام نویسنده را هم، در مقالات ذکر کنیم تا تلاشی برای ترویج به کارگیری صحیح تلفظ اسامی خاص

همانند زبان اصلی در کشور مبدأ باشد، البته باید متذکر شد که «ایسابل آئنده» تلفظ اسپانیایی است

و چون در ایران مترجمان محترم، وی را با نام «ایزابل آکنده» با تلفظ انگلیسی معرفی کرده‌اند،

و به دلیل شهرت این نام در بین خوانندگان و علاقه‌مندانش، ما نیز با احترام به نظر مترجمان آثارش،

او را در فصلنامه‌ی کاغذ رنگی «ایزابل آکنده» معرفی خواهیم کرد. ایزابل آکنده، زاده‌ی دوم اوت ۱۹۴۲،

در شهر «لیما» پایتخت «پرو»، و فرزند «توماس آکنده» و «فرانسیسکا یونا» است. او در کودکی پس از

جدایی پدر و مادرش از یکدیگر، تحت سرپرستی مادر رشد یافت، و پس از ازدواج مجدد مادرش بایک

دیپلمات به نام «رامون اویدو پرو» به کشورهای بولیوی و لبنان رفت و در مدارس آمریکایی و انگلیسی

درس خواند، و در ۱۹۵۸ به شیلی بازگشت و در دوران دبیرستان را به اتمام رساند. ایزابل در ۱۹۶۷ مجله‌ی

فمینیستی شیلیایی «پائولا» را بنیاد نهاد و پس از مدتی مجری یک برنامه‌ی طنز تلویزیونی شد و برای

کودکان نیز داستان می‌نوشت. نخستین رمان وی با نام «خانه ارواح» است که به دلیل فروش بالا،

باعث شهرتش شد. او پس از این رمان، ۲۲ رمان دیگر به زبان اسپانیایی نوشته است که در

سراسر جهان به ۳۵ زبان ترجمه شده‌اند و دو فیلم اقتباسی نیز از آنها تهیه شده است. در ایران هم،

مترجمان متعددی آثار وی را ترجمه کرده‌اند. او در نوشته‌های خود گرایشات فمینیستی از جمله

عدالت اجتماعی را بازتاب می‌دهد، و علاوه بر نویسندگی، بیشتر زندگی خود را وقف حقوق بشر

و دفاع از بانوان می‌کند. در بخش گفت‌وگوی این شماره، به دیدار دکتر «امید بهبهانی»، پژوهشگر،

مترجم و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بانویی فرهیخته و

متواضع که در امان بانوی غزل فارسی، «سیمین بهبهانی» رشد و نمو یافته، رفتیم و با ایشان

در باره‌ی «خاستگاه و گستره‌ی ادبیات مانوی» گفت‌وگویی داشتیم. در بخش چهره‌های ادبی،

شاعر مطرح و معاصر آمریکایی به نام «مایکل مارچ» توسط دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور معرفی می‌شود

که اشعارش برای نخستین بار، توسط ایشان به فارسی ترجمه و در فصلنامه‌ی کاغذ رنگی به چاپ

رسیده است. در بخش «حدیث سرو و گل و لاله» هم دکتر عبدالحسین فرزاد به مناسبت درگذشت

«مایکل هلیندی» زبان‌شناس و نظریه پرداز مشهور انگلیسی مقاله‌ای ارائه داده است. امیدواریم،

این شماره از فصلنامه‌ی کاغذ رنگی هم، رضایت خاطر شما بزرگواران را جلب کند.

با سپاس

سعیده خجسته‌پور



ویژه نامه

ادبیات واقعی

نگاهی بر زندگی و آثار ایزابل آلنده^(۱)
خالق «خانه ارواح»

ترجمه: امیرنادر الهی

ایزابل آلنده^(۲)، دختر فرانسیسکا یونا^(۳) و توماس آلنده^(۴) دیپلمات و سرعموی سالوادور آلنده^(۵)، سال ۱۹۴۲ در لیما^(۶) زاده شد. سه سال بعد، پدر و مادرش از یکدیگر جدا شدند و او به همراه دو برادر و مادرش در شیلی زندگی را سپری کرد. مادر وی برای دومین بار با دیپلماتی به نام رامون اویدو ویرو^(۷) ازدواج کرد، و ایزابل را همراه خود به بولیوی و لبنان برد، و آلنده در مدارس آمریکایی و انگلیسی درس خواند. ایزابل در ۱۹۵۸ به شیلی برگشت، و دوره دبیرستان را در آنجا به پایان برد، سپس در سازمان ملل سرگرم کار شد. وی در ۱۹۶۲ با میگل فریاس^(۸) ازدواج کرد، و دارای دو فرزند شد: پائولا^(۹) در ۱۹۶۳ و نیکولاس^(۱۰) در ۱۹۶۶ به دنیا آمدند. (سرانجام پائولا به بیماری پورفیری^(۱۱) مبتلا می شود، و به خاطر تزریق اشتباه دارو به کما می رود، و نهایتاً در ۱۹۹۲ در ۲۸ سالگی چشم از جهان فرومی بندد.) خانواده ی آلنده زمان زیادی را در بلژیک و سوئیس ماندند. آلنده در ۱۹۶۷ مجله ی فمینیستی شیلیایی «پائولا» را تأسیس کرد، و پس از مدتی مجری یک برنامه ی طنز تلویزیونی شد، و در مجله ی Mampato نیز برای بچه ها داستان می نوشت.

ایزابل در ۱۹۸۷ از میگل فریاس جدا شد و سال بعد به کالیفرنیا رفت، و با ویلی گوردن^(۱۲) ازدواج کرد، اما در ۲۰۱۵ زندگی ایزابل و ویلی نیز به جدایی انجامید. آلنده در این باره می گوید:

1) Isabel Allende

۲) تلفظ صحیح نام و نام خانوادگی او در زبان اسپانیایی، «ایسابل آئنده» است.

3) Francisca Llona

4) Tomás Allende

5) Salvador Allende

6) Lima

7) Ramón Huidobro

8) Miguel Frías

9) Paula

10) Nicolás

11) Porphyrias

12) Willie Gordon



• ایزابل آکنده (زاده ۱۹۴۲ م.)

«زمانی که ویلی، جوان‌ترین پسرش را ازدست داد، منزوی شد و نسبت به همه چیز، حتی من، سرد شده بود. خیلی ناراحت کننده است. سرنوشت، ضربه‌های سنگینی را بر او وارد آورد. ویلی دوفرزندش را ازدست داد و من یک فرزندم را؛ کمتر شده که زوجی با ازدست دادن تنها یک فرزندشان بتوانند دوام بیاورند، چه برسد به سه تا.»

با این همه آکنده کوشید تا زندگی مشترکش با ویلی را که در آستانه فروپاشی بود نجات دهد. او می‌گوید: «درمان‌های گوناگون، قرص‌های ضد افسردگی، خلاصه هرچه را که شما بگویید، امتحان کردم، ولی هیچ کدام جواب نداد. هیچ یک از ما به تنهایی نمی‌توانست این زندگی را نجات دهد. این کاری بود که باید با هم انجامش می‌دادیم.»

این نویسنده‌ی شیلیایی، به خاطر پرفروش‌ترین رمانش، با عنوان «خانه ارواح»^(۱)، که در ۱۹۲۸ به چاپ رسید، در سرتاسر جهان مورد تحسین قرار گرفت. افزون بر اینکه این کتاب او را به شهرت رساند، و در آن، نامه‌ی خدا حافظی‌اش از پدر بزرگ در حال مرگش را نوشت، همچنین جهان را با وجه فمینیستی خود در دنیای ادبی زنان در آمریکای لاتین، آشنا کرد.

آکنده از آن زمان تاکنون، بیست و دو رمان نوشت از جمله: «عشق و سایه»^(۲)، «اوا لونا»^(۳)، «داستان‌های اوا لونا»^(۴)، «طرح بی‌نهایت»^(۵)، «دختر بخت»^(۶)، «پرتره به رنگ سپیا»^(۷)،

- 1) The house of the spirits
- 2) Of Love and Shadows
- 3) Eva Luna
- 4) Stories of Eva Luna
- 5) The Infinite Plan
- 6) Daughter of Fortune
- 7) Portrait in Sepia

سه گانه‌ای برای خوانندگان جوان؛ «شهر جانوران»^(۱)، «سرزمین اژدهای طلایی»^(۲)، «جنگل کوتوله‌ها»^(۳)، «زورو»^(۴)، «اینس، روح من»^(۵)، «جزیره زیر دریا»^(۶)، «دفتر یادداشت مایا»^(۷)، «ریپر»^(۸)، «عاشق ژاپنی»^(۹) و جدیدترین اثر او «فراتر از زمستان»^(۱۰) کتاب‌های غیرخیالی او که شامل: «آفرودیت»^(۱۱)، مجموعه کتاب‌های طنز آلود، مقالات، و سه کتاب از خاطرات او: «سرزمین خیالی من»^(۱۲)، «پائولا»^(۱۳) (کتابی پرفروش که بیماری و مرگ دختر و زندگی خود آینده را روایت می‌کند)، و «حاصل روزهای ما»^(۱۴).

تمامی کتاب‌های آینده به زبان اسپانیایی نوشته، و به ۳۵ زبان ترجمه شده است که تاکنون نزدیک ۷۰ میلیون نسخه از کتاب‌هایش به فروش رسیده است. رمان‌های او با پیوندزدن داستان‌های جالب با حوادث مهم تاریخی هم جنبه‌ی سرگرمی دارد و هم آموزشی. محیط داستان‌های او در قرون ۱۵، ۱۹، ۲۰، دوران تب طلا در کالیفرنیا، جنبش چریکی ۱۹۶۰ در ونزوئلا، جنگ ویتنام، دوران برده داری هائیتی در قرن هجدهم رخ می‌دهد.

آلنده که در طول سی سال، ده‌ها جایزه بین المللی گرفته است، رمان‌های خود را «ادبیات واقعی» نامیده است، که از تربیت او، از مردمان اهل عرفان سرزمینش، و از چشمه‌ی جوشان تخیلش تراوش می‌کنند. نوشته‌های وی بازتابی است از اعتقادات فمینیستی او، تعهدش به عدالت اجتماعی، و واقعیت‌های سیاسی پرفراز و نشیب که سرنوشت وی را شکل دادند. ایزابل در دهه ۱۹۶۰، علاوه بر روزنامه‌نگاری، برای تلویزیون و مجله‌های شیلی کار می‌کرد. زمانی که ژنرال پینوشه^(۱۵) رژیم اصلاحات نئوسیالیستی شیلی را سرنگون کرد. سال‌ودور آلنده که در ۱۹۷۰ به ریاست جمهوری رسیده بود، در کودتای پینوشه کشته شد. رژیم پینوشه در اوائل راه وروش وحشی‌گری و سرکوب را در پیش گرفت. ایزابل آلنده هم در این دوران با گروه‌هایی که به مردم مظلوم شیلی کمک می‌کردند، در ارتباط بود، ولی بعد متوجه شد که ماندنش در شیلی به زیانش خواهد بود، بنابراین در ۱۹۷۵ به همراه همسر و دو فرزندش از کشور خارج شد، و خانواده‌اش برای ۱۳ سال در ونزوئلا در تبعید ماندند.

- 1) City of Beasts
- 2) Kingdom of the Golden Dragon
- 3) Forest of the Pygmies
- 4) Zorro
- 5) Ines of My Soul
- 6) Island Beneath the Sea
- 7) Maya's Notebook
- 8) Ripper
- 9) The Japanese Lover
- 10) In the Midst of Winter
- 11) Aphrodite
- 12) My Invented Country
- 13) Paula
- 14) The Sum of Our Days
- 15) Pinochet



• ایزابل آلنده واقع در اتاق کارش، ۲۰۱۳

ایزابیل در ۱۹۸۱ با خبر می‌شود پدر بزرگش که در شیلی زندگی می‌کرد، در حال مرگ است، بنابراین، نامه‌ای برای او می‌نویسد و در آن خاطرات زمانی که به خانه پدر و مادر بزرگش می‌رفت را بازگو می‌کند. گرچه پدر بزرگش قبل از اینکه بتواند نامه را بخواند، درگذشت، اما این نامه، الهام بخش نوشتن رمان «خانه ارواح» شد که آغاز زندگی حرفه‌ای او را در چهل سالگی اش رقم زد. رمان، داستان زندگی دو خانواده را در شیلی از ۱۹۲۰ تا کودتای نظامی ۱۹۷۳ روایت می‌کند، و در همان حال به برهه‌ای از تاریخ سیاسی این کشور نیز می‌پردازد.

آلنده، افزون بر نویسندگی، زمان زیادی از زندگی‌اش را وقف حقوق بشر می‌کند. بعد از درگذشت دخترش پائولا، در ۱۹۹۲، وی بنیاد خیریه‌ای را به یاد او تأسیس کرد که هدف از آن محافظت و قدرتمند کردن روحی زنان و دختران در سراسر جهان بود. و در سال ۱۹۸۷، خانه‌ای برای خود، در منطقه‌ای در خلیج سانفرانسیسکو ساخت. در ۱۹۹۳ شهروند ایالات متحده شد، ولی آن‌گونه که خودش می‌گوید: همواره یک پایش در کالیفرنیا و پای دیگری در شیلی است.

دانشگاه ترنتو^(۱) (ایتالیا) در ماه می ۲۰۰۷، دکتری افتخاری را در رشته‌ی «زبان و ادبیات اروپایی-آمریکایی» به ایزابل آلنده اهدا کرد. آلنده در سپتامبر ۲۰۱۰، «جایزه ملی ادبیات شیلی» را به خاطر کیفیت بالای آثارش و احیای ارزش‌های ادبیات که در داخل و خارج از شیلی مورد توجه قرار گرفت، همچنین به خاطر سبک منحصر به فردش و ارزش‌گذاری نقش خوانندگان از آن خود کرد. وی در ژوئن ۲۰۱۱، نیز «جایزه هانس کریستین آندرسون» را دریافت نمود.

منبع:

-<https://www.isabelallende.com/en/bio>

کتاب‌شناسی ایزابل آئنده

آثار ایزابل آئنده به زبان اصلی (اسپانیایی):

- ۱۹۸۲: خانه ارواح^(۱)
۱۹۸۵: عشق و سایه^(۲)
۱۹۸۷: اوا لونا^(۳)
۱۹۸۹: داستان‌های اوا لونا^(۴)
۱۹۹۱: طرح بی‌نهایت^(۵)
۱۹۹۴: پائولا^(۶)
۱۹۹۹: دختر بخت^(۷)
۱۹۹۸: آفرودیت^(۸)
۲۰۰۰: پرتله به رنگ سپیا^(۹)
۲۰۰۲: شهر جانوران^(۱۰)
۲۰۰۳: سرزمین خیالی من^(۱۱)
۲۰۰۴: سرزمین اژدهای طلایی^(۱۲)
۲۰۰۵: زورو^(۱۳)
۲۰۰۵: جنگل کوتوله‌ها^(۱۴)
۲۰۰۶: اینس، روح من^(۱۵)
۲۰۰۸: حاصل روزهای ما^(۱۶)
۲۰۱۰: جزیره زیر دریا^(۱۷)

-
- 1) La casa de los espíritus
 - 2) De amor y de sombra
 - 3) Eva Luna
 - 4) Cuentos de Eva Luna
 - 5) El plan infinito
 - 6) Paula
 - 7) Hija de la fortuna
 - 8) Afrodita
 - 9) Retrato en sepia
 - 10) La ciudad de las bestias
 - 11) Mi país inventado
 - 12) El reino del dragón de oro
 - 13) El Zorro
 - 14) El bosque de los pigmeos
 - 15) Inés del alma mía
 - 16) La suma de los días
 - 17) La isla bajo el mar

۲۰۱۱: دفتر یادداشت مایا^(۱)

۲۰۱۴: ریپر^(۲)

۲۰۱۵: عاشق ژاپنی^(۳)

۲۰۱۷: فراتر از زمستان^(۴)

• آثار ترجمه شده‌ی ایزابل آکنده به زبان فارسی:

- خانه ارواح (ترجمه‌ی حشمت کامرانی)
- از عشق و سایه‌ها (ترجمه‌ی عبدالله کوثری)
- از عشق و سایه‌ها (ترجمه‌ی اصغر رستگار)
- داستان‌های اوالونا (ترجمه‌ی علی آذرنگ)
- پائولا (ترجمه‌ی مریم بیات)
- دختر بخت (ترجمه‌ی اسدالله امرایی)
- پرتره به رنگ سپیا (ترجمه‌ی عبدالله کوثری)
- چهره‌ای به رنگ سپیا (ترجمه‌ی مصطفی مفیدی)
- منهای عشق (ترجمه‌ی گیسو پارسای)
- تصویر کهنه (ترجمه‌ی بیتا کاظمی)
- شهر جانوران (ترجمه‌ی اسدالله امرایی)
- سرزمین خیالی من (ترجمه‌ی مهوش عزیزی)
- سرزمین اژدهای طلایی (ترجمه‌ی اسدالله امرایی)
- جنگل کوتوله‌ها (ترجمه‌ی اسدالله امرایی)
- جنگل کوتوله‌ها (ترجمه‌ی آسیه و پروانه عزیزی)
- زورو (ترجمه‌ی محمد علی مهمان نوازان)
- اینس، روح من (ترجمه‌ی عبدالله کوثری)
- اینس، روح من (ترجمه‌ی زهرا رهبانی)
- اینس آرام جان من (ترجمه‌ی طاهره صدیقیان)
- اینس در جان من (ترجمه‌ی محمد علی مهمان نوازان)
- حاصل روزهای ما (ترجمه‌ی نرگس میلانی)
- جزیره زیر دریا (ترجمه‌ی زهرا رهبانی)
- عاشق ژاپنی (ترجمه‌ی معصومه عسکری)

1) El Cuaderno de Maya

2) El juego de Ripper

3) El amante japonés

4) Más allá del invierno



• تصاویر ایزابل آئنده از کودکی تا کهن سالی



تصویر ۱: ایزابل آکنده و «اراتز اورتزکایا» (نویسنده‌ی اسپانیایی) در حال دریافت جایزه‌ی «روسالیا دکاسترو» که توسط انجمن جهانی نویسندگان PEN Club در گالیسیا (اسپانیا) به آنها اعطا شده بود. ۲۰۰۶



تصویر ۲: ایزابل آکنده در حال دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه هاروارد، ۲۰۱۴

هدفِ ادبیات، کشف رازهای زندگیست

گفت‌وگو با ایزابل آلنده

ترجمه: امیرنادر الهی

«نامه‌های بی شماری از خوانندگانم، دانشگاهیان و روزنامه‌نگاران درباره‌ی آثارم دریافت کردم. چون پاسخ دادن به همه‌ی آنها غیرممکن است، امیدوارم بخش زیر- مجموعه‌ای از سوال‌ها که در طول سالها به دستم رسیده است- بتواند به مخاطبانم که می‌خواهند درباره‌ی من بیشتر بدانند، کمک کند. افرادی که علاقه دارند تا بیشتر در مورد زندگی و کارم بدانند، می‌توانند کتاب «ایزابیل آلنده: زندگی و روح»^(۱) نوشته‌ی سیلیا کورر آس زاپاتا^(۲) را بخوانند.»

- شما به خاطر نوشتن داستان‌های روایی، مشهور هستید، آیا دوست دارید سبک دیگری را هم، امتحان و کشف کنید؟ و اینکه آیا تا به حال شعر گفته‌اید؟

- در جوانی نمایشنامه می‌نوشتم و خیلی علاقه‌مند به نوشتن بودم. همچنین سعی کردم داستان‌هایی را برای بچه‌ها بنویسم. وقتی بچه‌هایم کوچک بودند، هر شب برایشان داستان تعریف می‌کردم و تمرین خوبی برای خودم هم بود. در حقیقت در ۲۰۰۱ برای نخستین بار داستانی را به نام «شهر جانوران» برای بچه‌ها و نوجوانان نوشتم. برای سالها، فکاهی می‌نوشتم و فکر می‌کنم این سبک از دیگر سبک‌ها سخت‌تر است. هیچ وقت شعر گفتن را امتحان نکردم و فکر نمی‌کنم که در آینده هم دنبالش بروم.

- شما، همیشه به اسپانیایی می‌نویسید؟

- من می‌توانم، تنها داستان‌های تخیلی را به اسپانیایی بنویسم. نوشتن به زبان مادری برایم یک پروسه ذاتی هست. خوشبختانه مترجمان خیلی خوبی در سراسر جهان دارم.

1) Isabel Allende: Life and Spirit

2) Celia Correias Zapata

- آیا شما رابطه‌ی نزدیکی با مترجم کتابهایتان دارید؟ چون متوجه شدم که مارگارت سایرزیدن^۱ تمامی کتاب‌های شما را به انگلیسی ترجمه کرده است؟

- من همیشه با مارگارت در تماس هستم؛ فکر می‌کنم یک رابطه‌ی روحی میان ما برقرار است. او کارش را عالی انجام می‌دهد. حتی در خواب هم نمی‌بینم که بخواهم ترجمه‌های او را تصحیح کنم، اما در مورد زبان‌های دیگر، خبر ندارم که چه کسانی کتاب‌هایم را ترجمه می‌کنند. ناشران از عهده‌ی آن برمی‌آیند. مارگارت در ۲۰۱۰ بازنشسته شد، و اکنون آنه مک لین^۲ کار او را انجام می‌دهد.

- در مورد نوشتن داستان‌های تخیلی بگوئید. آیا آنها واقعی هستند؟ یا همه‌اش غیر واقعی است؟ یا حقیقتی پنهان در آنها نهفته است؟ این ایده‌ها در کنار هم شکل می‌گیرند یا در مقابل یکدیگرند؟

- اولین عنصری که داستان تخیلی به آن می‌پردازد، این است که به هرج و مرج زندگی نظم می‌بخشد؛ نظم از نوع وقایع نگاری یا هر نظمی که نویسنده ترجیح می‌دهد. نویسنده، بخش‌هایی از کل را انتخاب می‌کند که به نظرش مهم می‌آیند و با بقیه کاری ندارد. و از دیدگاه خودش در مورد آن بخش‌ها می‌نویسد، ولی زندگی چنین نیست. همه چیز همزمان رخ می‌دهد، مثل یک هرج و مرج، و شما هیچ انتخابی ندارید. شما رئیس نیستید؛ زندگی، رئیس شما است. پس زمانی که به عنوان نویسنده قبول می‌کنید که داستان شما دروغ بگوید، به این شکل خودتان را از قید و بندها آزاد می‌کنید. شما هر کاری می‌توانید بکنید، و بعد در مسیری مدور حرکت می‌کنید. هر قدر که این مسیر مدور بزرگ‌تر باشد، شما هم می‌توانید به حقایق بیشتری پی ببرید. هر قدر افاق گسترده‌تر باشد، شما بیشتر راه می‌روید، هر چه بیشتر بگردید، شانس شما برای پیدا کردن جزئیات حقیقت بیشتر است.

- شما از کجا الهام می‌گیرید؟

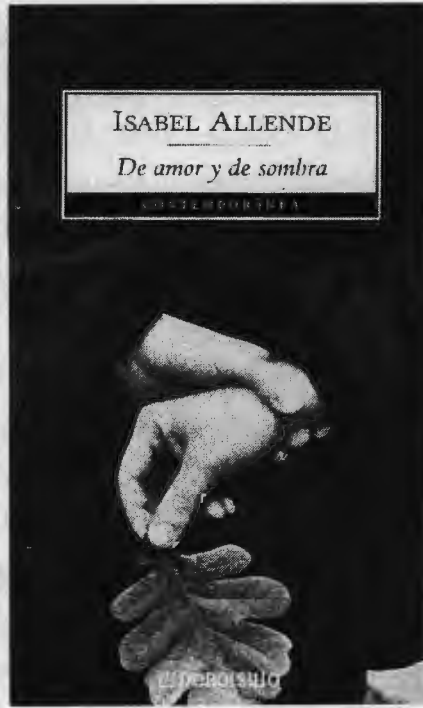
- من شنونده‌ی خوبی هستم و می‌توانم همانند یک شکارچی، داستان‌ها را شکار کنم. هر کسی داستانی دارد و اگر این داستان‌ها درست روایت شود، همه‌اش جالب است. من روزنامه می‌خوانم و کوچک‌ترین داستان‌ها در اعماق روزنامه، می‌تواند الهام بخش یک رمان باشد.

- این نیروی الهام بخش چگونه کار می‌کند؟

- من ده، دوازده ساعت تنها در اتاقم فقط می‌نویسم. با کسی صحبت نمی‌کنم. به تلفن جواب نمی‌دهم. تنها به ابزار و وسیله‌ای بدل می‌شوم که صدای درون و آنچه را که در باطنم می‌گذرد، منعکس می‌کنم. در واقع، من یک دنیای تخیلی می‌آفرینم که به من تعلق ندارد. من خدا نیستم؛ بلکه تنها یک ابزارم. در آن مدت زمانی که در اتاقم هستم و روزانه نوشتن را



خانه ارواح (۱۹۸۲)



از عشق و سایه‌ها (۱۹۸۴)



اوا لونا (۱۹۸۷)



داستان‌های اوا لونا (۱۹۸۹)

تمرین می‌کنم، چیزهای زیادی درباره‌ی خودم و زندگی کشف می‌کنم. من می‌آموزم و به طور ناخداگاه می‌نویسم. پروسه‌ی شگفتی است؛ گویی که زندگی کردن در دنیای تخیل، حقایق کوچکی را از خودم، زندگی، مردم و سازوکار جهان به من می‌آموزد.

- در مورد شخصیت‌های داستان‌هایتان بگویید.

- وقتی می‌خواهم شخصیتی را بیافرینم، معمولاً دنبال شخصی در دنیای واقعی هستم که بتواند الگوی شخصیت خیالی‌ام باشد. اگر چنین الگویی را در ذهن داشته باشم، شخصیت‌های داستانم باورپذیرتر می‌شوند. شخصیت مردم بسیار پیچیده است، به ندرت تمام جنبه‌های شخصیتی‌شان را بروز می‌دهند. شخصیت‌های داستان هم باید چنین باشند. من به شخصیت‌هایم اجازه می‌دهم تا زندگی خودشان را در داستان داشته باشند، ولی گاهی این احساس را دارم که گویی از کنترل من خارج شده‌اند، و داستان به مسیرهای نامنتظره‌ای ختم می‌شود و من آن را روی کاغذ می‌آورم، ولی مجبور نیستم این رویدادهای نامنتظره را با افکار قبلی‌ام سازگار کنم.

- آیا برای نوشتن از کامپیوتر استفاده می‌کنید؟

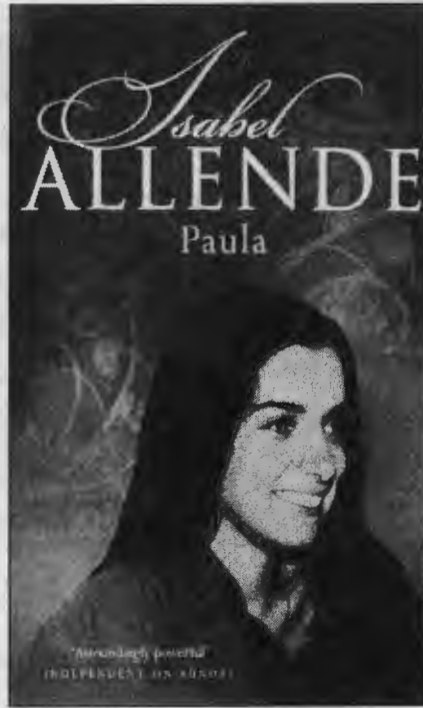
- همواره یادداشت برداری می‌کنم. یک دفتر یادداشت در کیفم دارم، زمانی که موضوع جالبی را می‌بینم و یا می‌شنوم، در آن یادداشت می‌کنم. بخش‌هایی از روزنامه‌ها را می‌برم و در مورد خبری که از تلویزیون پخش می‌شود، یادداشت برمی‌دارم. از آنچه که مردم به من می‌گویند، یادداشت برمی‌دارم. زمانی که شروع به نوشتن کتابی می‌کنم، یادداشت‌هایم را در می‌آورم و به آنها نگاهی می‌اندازم، چون آنها منبع الهام بخشی برای نوشتن داستان هستند. وقتی از کامپیوتر برای نوشتن استفاده می‌کنم، از قبل ایده یا طرح خاصی ندارم و تنها گزینه‌ام را برای نوشتن دنبال می‌کنم. اگر در کامپیوتر به خبری برخورد کنم، آن را پرینت می‌کنم و می‌خوانم. بعد می‌دانم که کتابم درباره‌ی چه موضوعی است. سپس نوبت به زبان، جریان داستان، لحن و ریتم داستان می‌رسد.

- چرا داستان، باید پایان خوشی پیدا کند؟

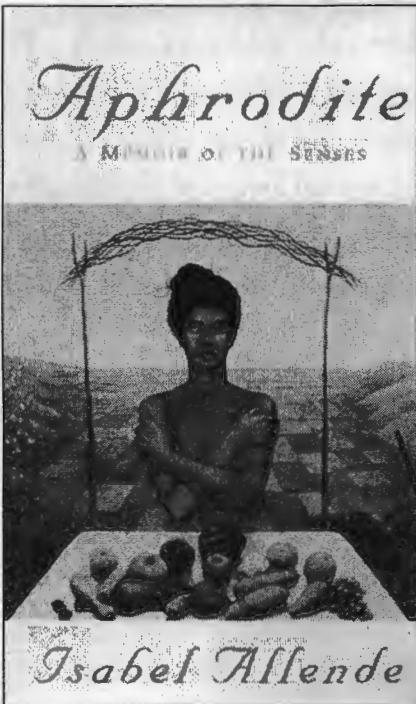
- نمی‌دانم، داستان کوتاه با رمان فرق می‌کند. داستان کوتاه، پایانی کلی دارد؛ و تنها یک پایان مناسب برایش وجود دارد، و شما آن پایان را می‌دانید، حسش می‌کنید. اگر نتوانید پایانی برایش پیدا کنید، دیگر آن یک داستان نیست. و دیگر کار بر روی آن بیهوده است. برای من، داستان کوتاه همانند یک تیرکمان است؛ از اول باید مسیرش مشخص باشد، و شما باید بدانید که کجا را هدف می‌گیرید، اما در رمان از این چیزها خبری نیست. شما باید صبور باشید و هر روز روی آن کار کنید. مثل اینکه بخواهید با رنگ‌های مختلف گلدوزی کنید. این کار را به آرامی



طرح بی نهایت (۱۹۹۱)



پائولا (۱۹۹۴)



آفرودیت (۱۹۹۶)



دختر بخت (۱۹۹۸)

انجام می‌دهید، والگویی در ذهن دارید. ناگهان پارچه را زیر و روی کنید و می‌بینید طرح روی پارچه با زیر آن کاملاً فرق دارد. تجربه‌ی جالبی است، چون رمان، زندگی و روح خود را دارد، اما در داستان کوتاه، همه چیز دست نویسنده است. با وجود این، داستان کوتاه خوب بسیار کم است، ولی رمان‌های ماندگار زیاد هستند. در داستان کوتاه، چگونگی روایت مهم است، نه اینکه چه می‌خواهید بگویید؛ فرم بسیار مهم است. در رمان امکان دارد که مرتکب اشتباهاتی بشوید، ولی کمتر کسی متوجه آن می‌شود. پایان خوش، اغلب برای من کارگشا نیستند. پایان باز را بیشتر دوست دارم، زیرا به قوه‌ی تخیل خواننده باور دارم.

- کدام نویسندگان بیشترین تأثیر را روی شما داشته‌اند؟

- من متعلق به اولین نسل از نویسندگان آمریکای لاتین هستم که با خواندن آثار این نویسندگان، بزرگ شدم. قبل از ورود من به عرصه‌ی نویسندگی، آثار این نویسندگان به خوبی پخش نشده بود، حتی در همان آمریکای لاتین؛ مثلاً در شیلی پیدا کردن آثار نویسندگان دیگر کشورهای آمریکای لاتین، بسیار سخت بود.

من از همه‌ی نویسندگان بزرگی که در دوره‌ی تحول ادبی؛ یعنی دوره‌ی موسوم به «بوم»^{۱)} نقش به‌سزایی داشتند، تأثیر گرفتم از جمله: گارسیا مارکز، وارگاس یوسا^{۲)}، کورتازار^{۳)}، بورخس، اکتاویو پاز، رولفو^{۴)}، آمادو^{۵)} و غیره.

از نویسندگان روسی زیادی نیز تأثیر گرفتم؛ مانند داستایوسکی، تولستوی، چخوف، نوباکف، گوگول، وبلغارف^{۶)}.

نویسندگان انگلیسی که بیشترین تأثیر را بر من داشتند: سروالتر اسکات، جین آستین، خواهران برونه، چارلز دیکنز، برنارد شاو، اسکار وایلد، جیمز جویس، دی. ایچ. لورنس، و ویرجینیا ولف هستند.

من داستان‌های رازآلود را دوست دارم و تمام رمان‌های آگاتا کریستی و کانن دوویل^{۷)} را خوانده‌ام. آثار دیگر نویسندگان انگلیسی را که در زبان اسپانیایی هم شناخته شده‌اند، خوانده‌ام، مثل: مارک تواین، جک لندن، اف. اسکات فیتزجرالد^{۸)} و بسیاری دیگر. تأثیر ماندگار کتاب «کشتن مرغ مقلد»^{۹)} اثر هارپر لی^{۱۰)} همیشه در خاطرم می‌ماند. تقریباً هر دهه این کتاب

1) Boom

2) Vargas Llosa

3) Cortázar

4) Rulfo

5) Amado

6) Bulgakov

7) Conan Doyle

8) F. Scott Fitzgerald

9) To Kill a Mockingbird

10) Nelle Harper Lee